



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

نقش سازمان همکاری شانگهای در توازن قوا در آسیای مرکزی

نگارش

حسین راهدار

استاد راهنما

دکتر سید داوود آقایی

استاد مشاور

دکتر الهه کولایی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای (

آسیای مرکزی و قفقاز)

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به

پدر و مادرم

تقدیر و تشکر

به رسم آیین و ادب بر خود لازم می دانم که از راهنمایی‌ها و همراهی استاد راهنمایم جناب آقای دکتر آقای سپاسگزاری ویژه داشته باشم و محبت هایش را ارج نهم. همچنین مرهون استاد مشاورم سرکار خانم الهه کولایی هستم که راهنمایی‌های ارزنده خود را از من دریغ نکردند و همواره مرا مورد لطف و محبت خویش قرار داده اند. از استاد داور پایان نامه خود جناب آقای دکتر ولی زاده نیز به خاطر قبول زحمت داوری این پایان نامه نیز نهایت سپاس و ادب را دارم.

در طی فرایند این پایان نامه بسیاری مرا کمک کرده اند که آوردن نام یکایک آن‌ها در اینجا میسر نیست. بر خود لازم می دانم که از دوستان عزیزم آقایان ابراهیم کریمی و احسان تقوایی که در مراحل مختلف این پایان نامه مرا یاری نموده اند کمال تشکر را داشته باشم و ضمن تکریم محبت هایشان موفقیت روزافزونشان را آرزومند باشم.

چکیده

فروپاشی شوروی به استقلال ۱۵ جمهوری تشکیل دهنده آن به عنوان واحد های سیاسی مستقل انجامید. جمهوری های بازمانده از فروپاشی شوروی در پیرامون فدراسیون روسیه مجموعه خارج نزدیک را به وجود می آورند که در برابر خارج دور یعنی دیگر کشورهای جهان مباحث جدیدی را در روابط خارجی این کشورها ایجاد کردند. در این میان آسیای مرکزی نیز با قرار گرفتن در بین کشورهای همچون روسیه، چین، هند، پاکستان و ایران، به یک «نقطه‌ی اتصال ژئوپلیتیک» تبدیل شده است. البته باید توجه داشت که همین شرایط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی، همچون شمشیری دولبه برای آسیای مرکزی عمل کرده، بطوری که توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این شرایط، زمینه ساز شکل گیری و بروز رقابت این قدرت‌ها و به در پی آن بی ثباتی و بحران در منطقه شده است. در این شرایط سازمان همکاری شانگهای با هدف اعتمادسازی در مرزهای میان روسیه، چین، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان شکل گرفت و سپس در گام دوم بر موضوعات سیاسی و امنیتی، مسائل اقتصادی و تجاری نیز در دستور کار این پیمان قرار گرفت. برای بررسی اینکه سازمانی همچون سازمان همکاری شانگهای چه نقشی در عرصه سیاست منطقه ای و بین المللی بازی می کند، باید عواملی که رفتار سیاست خارجی روسیه و چین را در آسیای مرکزی شکل می دهند، از جمله: منافع هویتی، تلقی از منابع تهدید و نیز انگیزه های امنیتی و اقتصادی آنها را بررسی کرد. در این نوشتار بررسی می شود که منافع روسیه در آسیای مرکزی جهت رسیدن به جایگاه قدرت بزرگ و منافع چین در آسیای مرکزی جهت تامین امنیت اقتصادی درازمدت، آنها را به سمت شکل دادن موازنه ای نرم در مقابل ایالات متحده در چارچوب سازمان همکاری شانگهای سوق می دهد. روش بررسی این پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و در گردآوری اطلاعات آن از روش مطالعه اسنادی استفاده شده است. این پایان نامه در ۴ فصل گردآوری شده است. در فصل اول به کلیات پژوهش و چارچوب نظری آن پرداخته می شود. در فصل دوم تعاملات قدرت و روابط این کشورها مورد بررسی قرار می گیرد. در فصل سوم به بیان زمینه‌های شکل گیری سازمان و رویکردهای کشورهای مورد بحث می‌پردازیم و در فصل آخر نیز نقشی را که سازمان و اعضای اصلی آن در ایجاد توازن قوا در منطقه دارند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: امنیت، توازن قوا، آسیای مرکزی، سازمان همکاری شانگهای، روسیه، چین، ایالات

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	طرح مسئله
۳	سوالات پژوهش
۳	فرضیه
۴	متغیرهای اصلی
۴	پیشینه پژوهش
۶	اهمیت پژوهش
۷	اهداف پژوهش
۷	کاربرد دست آوردهای پژوهش
۷	روش ها و فنون اجرای طرح
۸	چارچوب مفهومی
۸	۱- توازن قوا
۱۰	۲- مفهوم امنیت
۱۲	۳- سازمان های منطقه ای
۱۴	نتیجه
۱۵	فصل دوم: تعامل قدرت ها در منطقه آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی
۱۶	مقدمه
۱۶	۱- اهداف و منافع روسیه در آسیای مرکزی
۲۰	۲- اهداف و منافع چین در آسیای مرکزی

۳- اهداف و منافع ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی.....	۲۴
۴- اهداف و منافع کشورهای آسیای مرکزی.....	۲۷
۵- روابط روسیه و چین: مشارکت استراتژیک.....	۳۲
۶- رقابت سه قطب روسیه، چین و آمریکا.....	۳۵
نتیجه	۳۹
فصل سوم: زمینه‌ها، اهداف، رویکردها و انتظارات در سازمان همکاری شانگهای.....	۴۲
مقدمه.....	۴۳
۱- معرفی سازمان همکاری شانگهای.....	۴۳
۲- شرایط امنیتی در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی.....	۴۵
۳- زمینه‌های شکل‌گیری سازمان.....	۴۷
۴- اهداف و سازوکارهای اجرایی سازمان.....	۵۱
نتیجه	۵۶
فصل چهارم: نقش سازمان همکاری شانگهای در توازن قدرت در آسیای مرکزی.....	۵۸
مقدمه.....	۵۹
۱- معادلات قدرت پس از جنگ سرد در آسیای مرکزی.....	۵۹
۲- آمریکا در آسیای مرکزی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر.....	۶۱
۳- تقابل سازمان با نفوذ آمریکا در منطقه.....	۶۳
۴- نظریه موازنه سازمان علیه ایالات متحده.....	۶۷
۵- موانع توسعه سازمان همکاری شانگهای.....	۷۰

۶- جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای ۷۶

نتیجه ۷۹

جمع بندی و نتیجه گیری ۸۱

کتابشناسی ۸۲

ضمائم ۹۴

فصل اول

کلیات پژوهش

طرح مساله

در دوران جنگ سرد اتحاد جماهیر شوروی تهدید بزرگی برای چین محسوب می شد، ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این تهدید برای چین به فرصت تبدیل شد. چین نیز از این فرصت در جهت رفع مناقشات مرزی خود با روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته بهره گرفت و گفتگوهای خود را با آن ها بطور دو یا چندجانبه آغاز کرد. روسیه نیز که دیگر یک قدرت بزرگ اوراسیایی محسوب می شد و نیاز داشت که از چین برای ایجاد روابط متعادل با غرب استفاده کند، به روند ایجاد حسن همجواری و دوستی بین چین و کشورهای همسایه آن یاری رساند. از سوی دیگر، شرایط ژئوپلیتیکی و سوابق تاریخی منطقه به جمهوری های آسیای مرکزی آموخته است که باید به سوی توازن در نزدیکی با قدرت های بین المللی برتر پیش روند و حتی الامکان از گرایش یک سویه به یک قدرت برتر بپرهیزند. با ظهور آسیای مرکزی و قفقاز در صحنه بین المللی، کشمکش تازه ای در بین قدرت های جهانی و منطقه ای بر سر منافع در این مناطق آغاز شد.

گروه شانگهای پنج در استمرار روند فوق در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ بین کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان شکل گرفت و در سال ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان به آن به یک سازمان چندجانبه ی منطقه ای با عنوان «سازمان همکاری شانگهای»^۱ تبدیل شد. (قاضی زاده، ۱۳۸۸: ۹۳) سازمان همکاری شانگهای بر مبنای توافقات اولیه ای شکل گرفت که در سال ۱۹۹۰ میان شوروی و جمهوری خلق چین برای کاهش تسلیحات و نیروهای نظامی در نواحی مرزی دو کشور و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی، منعقد شده بود.

این سازمان در مدت کوتاه شکل گیری، بتدریج در جهت تقویت ساز و کارهای امنیت و ثبات و فراهم ساختن زمینه های نوین همکاری در حوزه های گوناگون و مورد علاقه اعضا حرکت کرده؛ بطوری که در حال حاضر همکاری های متنوع سیاسی، بازرگانی، سرمایه گذاری، دفاعی، حفاظت از محیط زیست، فرهنگ، علوم و فناوری، آموزش، انرژی، حمل و نقل، اعتباری و مالی و ... در دستور کار سازمان قرار گرفته است. (انوری، ۱۳۸۷: ۱۷)

اما آنچه در این تحقیق بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد رقابت‌هایی است که به شکل نهفته و یا آشکار در چارچوب این سازمان و در منطقه‌ی مورد نظر وجود دارد. با نگاهی به این سازمان می‌توان از سه نوع مقابله‌ی نهفته نام برد: اول) مقابله با هژمون آمریکا توسط روسیه و چین که می‌خواهند از این سازمان در تعدیل قدرت هژمونیک آمریکا بهره‌گیرند. دوم) مقابله با هژمون‌های روسی یا چینی توسط کشورهای آسیای مرکزی که در پی ایجاد موازنه در قدرت‌های روسیه و چین در سطح منطقه هستند. سوم) مقابله با هژمون روسیه از سوی چین که به دنبال کاهش تدریجی نفوذ روسیه و افزایش نفوذ خود در منطقه هستند. (عباس طالبی فر و سیاوش جعفری پاسکیایی، ۱۳۸۷: صص ۵۴-۵۷). آنچه در این تحقیق بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد، رقابت نوع اول است.

لذا چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح منطقه‌ای، وجود این سازمان بیانگر گرایش کشورهای بسوی برقراری توازن بجای دنباله‌روی است.

سوالات پژوهش

الف: سوال اصلی

با توجه به فلسفه‌ی شکل‌گیری سازمان همکاری‌های شانگهای که مبتنی بر تامین امنیت در منطقه و گسترش همکاری بین اعضا می‌باشد، این نهاد چه نقشی در ایجاد موازنه‌ی قوا در آسیای مرکزی خواهد داشت؟

ب: سوالات فرعی

۱- کنش‌های قدرت در منطقه‌ی آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی به چه شکلی می‌باشد؟

۲- زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری سازمان شانگهای چیست؟

۳- رویکردها و انتظارات هر یک از اعضای سازمان شانگهای در رابطه با این سازمان چیست؟

فرضیه

سازمان همکاری‌های شانگهای باعث ایجاد موازنه و گسترش حضور و نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی و کنترل نفوذ کشورهای دیگر شده است.

متغیرهای اصلی

متغیر مستقل: سازمان همکاری شانگهای

متغیر وابسته: توازن قوا در آسیای مرکزی

پیشینه‌ی پژوهش

موضوع مورد نظر این پژوهش، یعنی نقش سازمان شانگهای در توازن قوا در آسیای مرکزی دارای دو متغیر یعنی سازمان شانگهای و دیگری توازن قوا است. تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های متنوعی در این باره نوشته شده است. نکته‌ای که مورد توجه است این است که در تحقیق‌های انجام شده جای یکی از این دو متغیر خالی بوده و یا اگر هم بوده، هدف نویسنده چیز دیگری بوده است. در ادامه به بررسی برخی از این نوشته‌ها می‌پردازیم.

- در کتاب "سازمان همکاری شانگهای، همگرایی نوین منطقه‌ای" نوشته‌ی شهرام قاضی زاده و عباس طالبی فر" نویسندگان هدفشان را در این کتاب در نهایت بر بهره‌گیری ایران از این سازمان متمرکز کرده‌اند و موضوع مورد نظر را تا جای خاصی به پیش برده‌اند. آن‌ها ابتدا سازمان و تحولاتش را در سیر تاریخ بررسی کرده‌اند و البته به متغیر آمریکا و نقشی که در این منطقه دارد نیز پرداخته‌اند.

- در کتاب "سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چندقطبی" نوشته‌ی حمید رضا انوری و مرتضی رحمانی موحد، بحث بازیگران فرامنطقه‌ای مورد توجه قرار نگرفته و همچنین مانند کتاب اول هدف بر روی منافع ایران متمرکز است. همچنین بحث رقابت به صورت جزئی مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده به سرعت از آن رد شده است.

- کتاب "سیاست چین در قبال روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی" نوشته‌ی مارک برلیز نیز سیاست این کشورها را به طور مستقیم و نه در قالب سازمان بررسی می‌کند. همچنین سیاست چین را در برابر دیگر کشورهای عضو مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین چون تالیف آن از سوی نیروی هوایی آمریکا صورت گرفته است و هدفش بهره‌گیری آمریکا از این روابط است فقط می‌تواند به عنوان یک منبع آماری مورد استفاده قرار گیرد.

- همچنین در کتاب "نقش و جایگاه سازمان همکاری شانگهای در تامین ثبات آسیای مرکزی" نویسنده موضوعاتی چون تاریخچه‌ی پیدایش سازمان، روابط دوجانبه‌ی اعضای سازمان، موانع پیش روی سازمان و ... را مورد توجه قرار می دهد و بحث توازن قوا در این منطقه با توجه به این سازمان مورد توجه قرار نمی گیرد.

- در کتاب "امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین المللی" نوشته‌ی روی الیسون و لنا یانسن به ترجمه محمد رضا دبیری، نویسنده به بررسی امنیت در آسیای مرکزی پرداخته است. این کتاب علاوه بر مطالبی درباره روسیه و آسیای مرکزی به ساختارهای موجود در این کشورها برای سیاست همکاری های امنیتی می پردازد و امنیت را در آسیای مرکزی را در چارچوب های منطقه ای و جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

- در مقاله "سازمان همکاری شانگهای و امنیت آسیا مرکزی" نوشته دکتر الهه کولایی، نویسنده در ابتدا یک نمای کلی از شرایط منطقه آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و مشکلاتی را که در پی آن جمهوری های منطقه با آن درگیر شدند را ترسیم می کند. سپس به بیان منافع و ملاحظات دو کشور چین و روسیه در منطقه پرداخته و پس از بیان تحولات سازمان در طول تاریخ پیدایش آن، به بررسی نوع روابطه ایران با منطقه و همچنین سازمان همکاری شانگهای می پردازد.

- نوشته‌ی دیگر مقاله‌ی "ترتیبات امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز" است به قلم حبیب ... ابوالحسن شیرازی نوشته شده است. نویسنده در این مقاله مطرح می کند که یکی از مسائل عمده ای که پس از فروپاشی شوروی برای کشورهای جانشین مطرح شده ترتیبات امنیتی است. وی با اشاره به این که این جمهوری ها مدت مدیدی تحت سلطه سیاسی و اقتصادی روسیه بوده اند این سوال را مطرح می کند که چگونه می توان به ترتیبات جدید امنیتی دست یافت و همچنین این سوال که آیا روسیه هنوز هم در امنیت این کشورها نقش کلیدی را ایفا می کند و یا این کشورها به سمت سازمان امنیت و همکاری اروپا و یا ناتو سوق خواهند یافت. نویسنده مقاله سپس ترتیبات امنیتی ایجاد شده پس از فروپاشی شوروی در این منطقه را مورد بحث و بررسی قرار می دهد.

- در مقاله‌ی "سازمان همکاری شانگهای: قدرتی توازن بخش" نوشته‌ی فتح ... مرادی نیز نگارنده به تحلیل همکاری استراتژیک روسیه و چین در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای آن بر

دورنمای امنیتی اروپا می‌پردازد. و اینکه اتحاد روسیه و چین در جهت برقراری یک موازنه‌ی نرم در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای می‌باشد. این مقاله همچنین رویکردهای سازمان را در سالهای مختلف حضورش از زمان پیدایش مورد بررسی قرار می‌دهد.

- در مقاله "پیامدهای امنیتی سازمان شانگهای در آسیای مرکزی" نوشته دکتر الهه کولایی و آقای فتح‌ا... مرادی، آسیای مرکزی به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعریف می‌شود و پس از بررسی انگیزه‌های اعضای اصلی سازمان یعنی روسیه و چین نقشی را که سازمان در ایجاد امنیت در منطقه دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت پژوهش

اهمیت فوق‌العاده منطقه آسیای مرکزی بر کسی پوشیده نیست. محققان علم ژئوپلیتیک در قرون گذشته این منطقه را "قلب زمین" توصیف کرده و به قدرت‌های عصر خود توصیه می‌کردند که اگر می‌خواهند بر مقدرات تمام کره خاکی حاکم باشند، سلطه بر این منطقه را نصب‌العین خود قرار دهند. هرچند این گفتمان در ادبیات سیاسی و امنیتی امروزه اعتبار خود را از دست داده است ولی اهمیت این منطقه نه تنها کاهش نیافته بلکه با ورود متغیرهای جدید، تحولات این منطقه بر معادلات قدرت، سیاست و اقتصاد جهانی تاثیر مستقیم گذاشته است.

آسیای مرکزی یکی از کانون‌های سیاست قدرت در روابط بین‌الملل است و موقعیت ممتاز آن در هر سه بُعد جغرافیای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موقعیتی ممتازی به آن بخشیده است. همین مسأله موجب شده تا این منطقه به یکی از عرصه‌های رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شود. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوندهای سرزمینی با اوراسیا و نیز سابقه تاریخی-تمدنی با کشورهای این منطقه، از جایگاه ویژه‌ای در این حوزه استراتژیک برخوردار است.

یکی از دلایل اهمیت این پژوهش همجواری کشورهای منطقه آسیای مرکزی و تاثیر گذاری چالش‌های سیاسی و امنیتی این کشورها بر ایران است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران مهم از ثبات و امنیت در این منطقه نفع می‌برد. ایران به دلیل موقعیت منطقه‌ای ویژه خود و قرار گرفتن در همسایگی دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز توجه خاصی به وقایع و تحولات منطقه به ویژه در ابعاد سیاسی و امنیتی آن دارد. به طور طبیعی با توجه به قرابت‌های تاریخی، ژئوپلیتیک و به طور نسبی ژئوکالچری این منطقه با

جمهوری اسلامی ایران این منطقه اهمیت به سزایی دارد. توجه به این منطقه بیش از هر چیز نشأت گرفته از توان بالای تاثیر پذیری و تاثیرگذاری ایران نسبت به این منطقه است.

اهداف تحقیق

- تبیین ترتیبات امنیتی در منطقه آسیای مرکزی
- شناخت منافع امنیتی روسیه و چین و آمریکا در منطقه آسیای مرکزی
- شناخت و ریشه یابی چالش های امنیتی منطقه آسیای مرکزی
- تاثیر چالش های سیاسی و امنیتی منطقه بر کشورهای عضو.
- فهم نقش سازمان همکاری شانگهای در ایجاد موازنه قوا در منطقه آسیای مرکزی

دست آوردهای پژوهش

به علت همسایگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین اولویت بالای این منطقه و کشور روسیه در سیاست خارجی ایران بررسی سازمانهای امنیتی در منطقه مجاور ایران امری بسیار مهم تلقی می شود و می تواند در تصمیم گیری دست اندرکاران و سیاست گذاران خارجی موثر باشد و دید وسیع تری را به پژوهشگران و تصمیم گیرندگان این مسائل منطقه بدهد.

روش ها و فنون اجرای طرح:

روش بررسی این پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده و در گردآوری اطلاعات آن از روش مطالعه اسنادی، کتابخانه ای و منابع اینترنتی استفاده خواهد شد.

در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است. و می خواهد بداند پدیده، متغیر، شی یا مطلب چگونه است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ۵۸)

در تحقیقات توصیفی- تحلیلی که نوع خاصی از تحقیقات توصیفی می باشد، محقق علاوه بر تصویر سازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می پردازد. (همان، ۶۱)

چهارچوب مفهومی

مقدمه

در این قسمت قصد داریم که به تبیین برخی مفاهیم مورد استفاده در تحقیق خود پرداخته و کلیدواژه‌های تحقیق را مورد بررسی قرار دهیم. در قسمت‌های قبل در پاسخ به سوال اصلی این فرضیه مطرح شد که سازمان همکاری شانگهای باعث ایجاد موازنه و گسترش حضور و نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی و کنترل نفوذ کشورهای دیگر شده است. از آنجا که موضوع تحقیق "نقش سازمان همکاری شانگهای در توازن قوا در آسیای مرکزی" است در این بخش قصد داریم به تعریف مفاهیمی از قبیل موازنه قوا، امنیت، سازمان های منطقه‌ای پرداخته و کارآمدی آنها را در سیاست بین الملل تبیین کنیم.

۱- توازن قوا

توازن قوا را سیستمی از اتحاد قدرتها می‌دانند که در آن صلح و امنیت ممکن است از طریق برابری [نسبی] قدرت میان دو بلوک رقیب برقرار شود. کشورهای دخیل در سیستم موازنه قوا به اتحاد با ممالک دوست متوسل می‌شوند تا ضمن حفاظت از خود، موقعیت بهتری [در قیاس با دیگران] به دست آورند. (*C.Plano and others,1973: p.26*). چنین تعریفی از موازنه‌ی قوا نشان از بارزترین مثال تاریخی آن دارد. به عبارت دیگر، «سیستم» موازنه‌ی قوا مشخصاً به «پدیده تاریخی سیاست در اروپای مدرن» بویژه در قرن نوزدهم اطلاق می‌گردد، که به نوبه‌ی خود از مجموعه‌ای از چندین سیستم اتحادی میان دول معظم آن قاره تشکیل شده بود. (*Easton,1965: p16*)

موازنه‌ی قوا در چارچوب نظام فراگیری که آن را «سیستم بین‌المللی» می‌خوانند، صورت می‌گیرد. این سیستم متشکل از کشورها، واحدهای سیاسی، و به کلام دیگر، کلیه‌ی «بازیگران» صحنه‌ی بین‌المللی بوده، عمده‌ترین خصوصیت آن، چگونگی تشکل این واحدها یا ساختار سیستم بین‌المللی است. منظور از ساخت سیستم بین‌المللی، «الگوی کلی قدرت، تسلط و نفوذ» در میان واحدهای تشکیل دهنده‌ی آن است. شاید مناسبترین زمان برای درک ابعاد چنین ساختی، آن هنگام است که نظام بین‌المللی دستخوش تغییرهای شدیدی شده باشد. جا به جایی ترکیبات قدرتی، تغییر در میزان همبستگی بلوکهای سیاسی - امنیتی و یا ظهور قدرتهای بزرگ جدید، فرصتها و تهدیدهای جدیدی را در روابط کشورها با یکدیگر به وجود می‌آورد. اهمیت ساختار سیستم بین‌المللی در نفوذی است که بر تمایلات کلی در سیاستهای برون مرزی

بازیگران صحنه‌ی بین‌المللی گذاشته، و با به وجود آوردن موانع و محدودیتهایی، از آزادی عمل این واحدها در سیاست خارجیشان می‌کاهد. نحوه تقرب ما به پدیده موازنه قوا، در همین راستا قرار دارد.

ساخت نظام بین‌المللی، یا همان «الگوی کلی قدرت، تسلط و نفوذ»، که حاکم بر روابط واحدهای تشکیل دهنده آن است، را ساختی «هرج و مرج گونه» می‌خوانند، که به معنای فقدان قدرت مرکزی در این سیستم است. در سیستم بین‌المللی کنونی «هر واحدی مسئول حفظ موجودیت خود است»؛ زیرا مرکز واحدی که مورد احترام یا توافق (اجباری یا اختیاری) واحدهای عضو، در مورد احقاق حق قدرتمندانه‌ی اعضا باشد، وجود ندارد. ساخت «هرج و مرج گونه» سیستم بین‌المللی، واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن را وادار می‌کند تا با اختصاص بخشی از منابع محدودشان در جهت به وجود آوردن و آماده نگاهداشتن نیروهایی مسلح، برای حفظ موجودیتشان در ابتدا تنها به قابلیت‌های دفاعی خود متکی باشند. (ولایتی، ۱۳۶۵: ۸) از این رو گاه مفهوم «نظام خود-کمکی» را به عنوان مترادف برای سیستم سیاسی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌دهند.

از چشم انداز این تئوری، موازنه‌ی قوا عمده‌ترین فرایندی است که در چارچوب سیستمی هرج و مرج گونه صورت می‌پذیرد. تأکید تئوری موازنه‌ی قوا بر این است که نحوه‌ی تشکل و دینامیسم سیستم بین‌المللی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در نتایج حاصله از سیاست خارجی یک کشور است. همان طور که ذکر شد، این درست همان چیزی است که هسته‌ی مرکزی بینش تئوریک ما به موضوع این نوشته را تشکیل می‌دهد. لذا فرض بر این است که تحركات برون مرزی یک واحد سیاسی، بیشتر متأثر از ساختار و پویایی سیستم بین‌المللی است تا نتیجه‌ی خواست رهبران آن واحدها. به بیان دیگر، بر مبنای چنین انگاره‌ای، صرف‌نظر از ایدئولوژی، شکل حکومت، خصوصیات رهبران و...، واحدهای تشکیل دهنده‌ی سیستم سیاسی، در موقعیتهای یکسان، رفتاری مشابه از خود بروز می‌دهند. موازنه‌ی قوا به تحقیق عمده‌ترین پدیده‌ای است که از اثر ساخت آنارشیک سیستم بین‌المللی بر رفتارها و تحركات برون مرزی واحدهای سیاسی حاصل می‌شود؛ حتی اگر تمامی آنها تمایلی به برقراری توازن قوا نداشته باشند. (Hass, 1971: p.154) همانطور که می‌بینیم در این تحقیق نیز به دنبال این هستیم که نشان دهیم سازمان همکاری شانگهای سعی کرده در منطقه مورد نظر یک توازن نسبی قوا در برابر قدرت برون منطقه‌ای آمریکا ایجاد کند

۲- مفهوم امنیت^۱

امنیت یکی از رایج ترین مفاهیم در قلمرو مناسبات جهانی و مباحثات سیاسی است. مقوله امنیت از مفاهیم پایه علوم انسانی و به ویژه علوم سیاسی و روابط بین الملل است. امروزه مطالعات امنیتی به حدی گسترش یافته و در انجام تداخل با دیگر رشته ها قرار گرفته است که هم اکنون تعدادی از اندیشمندان پیشنهاد می کنند که به عنوان یک رشته متمایز از دیگر علوم در دانشگاه ها تدریس شود (فندرون، ۱۳۷۱):

(۴).

واژه سکیوریتی^۲ از واژه سکیور^۳ منشعب شده است که در زبان فارسی معادللهایی چون امن، محفوظ، مطمئن، محفوظ داشتن، تامین کردن و ... برای آن آورده می شود. به طور کلی واژه امنیت بیشتر به نوعی احساس روانی اطلاق می شود که در آن به خاطر مبرا بودن، از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می شود. پدیده هایی که ممکن است باعث ترس شده و آرامش و اطمینان خاطر افراد را مختل سازند، بسیار متعدد و در عین حال پیچیده اند. با گذشت زمان و ایجاد تغییرهایی در انتظارهای و نیازهای انسانها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می شوند. برای مثال امروزه پدیده هایی چون تخریب محیط زیست از مهم ترین عوامل بر هم زنده امنیت بشر تلقی می شود در حالی که تا صد سال پیش چنین چیزی اصلا متصور نبود (کلمتس، ۱۳۷۸: ۵۲).

پایه و اساس جستجوی امنیت را می توان در انگیزه ها و کششهای انسانها دنبال کرد به این معنی که جستجوی امنیت از مهمترین کششها و انگیزه های انسانی است که با جوهر هستی انسان پیوند نا گسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی ترین میل های انسان است که به روایت تاریخ حتی انسانهای اولیه وقتی به اشیایی برمی خوردند که برای آنها نا آشنا بودند، از ترس اینکه مبادا به آنها آسیب برسانند به غارها پناه می بردند و خود را پنهان می کردند. این در حقیقت خود نشان دهنده آن است که نیاز به امنیت مانند اکثریت نیازهای انسانها یک امری کاملا طبیعی بوده، انسانها را وا می دارد که در تامین آن چه در سطح فردی و یا جمعی از خود تحرکاتی نشان دهد. و بعدها انسانها در پی برآوردن نیازهای زیستی از یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می شوند و تشکیل جامعه می دهند، اساس تشکیل جامعه نیز مسائل امنیتی

^۱.Security

^۲ Security

^۳.Secur

بوده که در این مورد می توان به نظریه "قرارداد اجتماعی"^{۱۱} فلاسفه قرن هجدهم از هابز گرفته تا روسو اشاره کرد که به عقیده آنها نیاز به تضمین جمعی امنیت افراد اولین مرحله قانونی برای شکل گیری یک دولت است.

به این صورت می توان گفت که تامین امنیت و راه های دستیابی به آن از جمله سنگ بناهای شکل گیری واحدهای سیاسی از نگاه تاریخی بوده تا از این طریق اعضای جوامعی که بیان شد بتوانند به کمک همدیگر به مهم ترین نیازشان که تامین امنیت است دست پیدا کنند. اما آنچه در جوامع اولیه و حتی تا این اواخر یعنی تا اواخر دهه ی ۱۹۸۰ میلادی مطرح بود یک دیدگاه محدود به امنیت بود، به طوری که بحث امنیت روی موضوعات نظامی متمرکز بود یعنی یک نوع دید تقلیل گرایانه نسبت به امنیت حکمفرما بود. و امنیت را در توانایی های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگها جستجو می کردند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۲۳)

در یک نگاه اجمالی به روند مطالعات امنیتی متوجه می شویم که با گذشت زمان ابعاد عینی و ذهنی امنیت بین الملل هر چه بیشتر پیچیده و متکثر می شود؛ در نتیجه راهکارهای تامین و حفظ آن نیز به همان اندازه پیچیده و چند بعدی می شود. آن چه پیش روی ماست، نظامی متشکل از دولتهاست که تحول بنیادین در چنین نظامی دیت کم در کوتاه مدت بعید به نظر می رسد و ما ناچاریم برنامه های امنیتی خود را در چنین بستری طراحی و اجرا نماییم. یعنی هنوز نمی توانیم از امنیت جهانی به شکلی صحبت کنیم که کنش های دولتها را نادیده بگیریم. با وجود ورود به عصر پسا وستفالیایی هنوز بسیاری از مفاهیم گفتمان وستفالیایی در باب امنیت بین الملل باقی است. شاید بهتر آن باشد که بگوییم امروزه گفتمان وستفالیایی تحت تاثیر مفاهیم پسا وستفالیایی با چالش مواجه گردیده است. امروزه نیز دیدگاه هایی وجود دارند که همچنان روی محوریت مفاهیم وستفالیایی تاکید دارند. برای مثال پس از فروپاشی اتحاد شوروی نواقح گرایان چون والتز و مرشایمر آینده امنیت جهان را نگران کننده دیده اند. از آنجا که بازدارندگی متقابل هسته ای بین ایالات متحده و اتحاد شوروی سطح بالای ثبات بین المللی در دوره پس از جنگ جهانی دوم را تبیین می کرد، پایان نظام دو قطبی می تواند سایه شومی را بر آینده امنیت بین المللی بگستراند. همانطور که می دانیم پایه و اساس شکل گیری این سازمان مسائل امنیتی بوده و در ادامه نیز با مسائل متعدد امنیتی مانند تروریسم، نفوذ قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مواجه شده است. بنابراین توضیح این مفهوم مورد نیاز بوده است.

۳- سازمان های منطقه ای^۱

سازمانهای منطقه‌ای، تشکیلاتی هستند که به علت های تاریخی و واقعی در یک منطقه از جهان تاسیس می‌شوند. منطقه که بر مبنای تقسیم‌های جغرافیایی استوار است، موجب نزدیکی دولتها و کشورهای می‌شود که احتمالاً دارای مشترکات فرهنگی، تاریخی، زبانی و مذهبی هستند. سازمان های منطقه ای چه به عنوان سازمان‌های فراملی و چه به عنوان سازمان های بین دولتها در مناطق مختلف دنیا تاسیس شده و در جهت تعمیق همکاری های بین المللی و حفظ صلح و افزایش سطح زندگی مردم نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۱۳). البته از نظر برخی نویسندگان مفهوم سازمان‌های منطقه‌ای خالی از اشکال نیست، چرا که هر سازمان غیر جهانی یک سازمان منطقه ای نیست. به عبارت دیگر سازمان های بین المللی را نمی‌توان به دو گونه کاملاً تفکیک شده جهانی و منطقه ای تقسیم کرد (موسی زاده، ۱۳۷۸: ۵۴).

در زمان تدوین منشور ملل متحد نیروهای طرفدار منطقه‌گرایی به حد کافی از قوت و تعدد برخوردار بودند تا جایی را برای ترتیبات منطقه‌ای در منشور درخواست کنند. به همین جهت در فصل هشتم نقشی برای ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای جهت پرداختن به مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی که برای اقدام منطقه‌ای مناسب هستند در نظر گرفته شده است. هرچند نقش ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای به درستی تعریف نشده است.

اصول اساسی فصل هشتم عبارتند از ؛

الف) کشورهای عضو هرگونه تلاشی را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات محلی از طریق این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای قبل از ارجاع آن‌ها به شورای امنیت انجام دهند.

ب) شورای امنیت توسعه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات محلی را از طریق این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای تشویق نمایند و در جای مناسب از این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای برای اقدام قهرآمیز تحت اختیار خود استفاده کنند (Wilcox, 1965: p.789).

جنگ سرد از برقراری رابطه نزدیک بین شورای امنیت و ترتیبات موجود منطقه‌ای جلوگیری به عمل آورد. وتوهای متعدد، شورای امنیت را فلج کرده بود و از ترتیبات منطقه‌ای به عنوان پناهگاهی برای دور نگاه داشتن اختلاف‌ها از سازمان ملل استفاده می‌شد.

¹. Regional organizations

با این وجود شیوه‌های منطقه‌ای برای مدیریت بحران و حل و فصل منازعه جالب توجه هستند. اعضای این سازمان‌ها از پیامدهای متزلزل کننده‌ی جنگ در منطقه‌ی خود بسیار متضرر می‌شوند. زیرا آن‌ها مجبور می‌شوند به کمک آوارگان و پناهنگان بشتابند و عواقب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنگ را متحمل شوند. همچنین بروز منازعه‌ی محلی و تصویر بی ثبات شدن منطقه موجب کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کند شدن رشد می‌شود. این اوضاع باعث می‌شود که منابع عمومی به مخارج دفاعی منتقل شوند. بنابراین قدرت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای بیشترین نفع را در مدیریت و حل و فصل منازعه در منطقه‌ی خود دارند. آن‌ها ریشه‌های مناقشه و فرهنگ‌ها را عمیق تر از خارجی‌ان می‌فهمند. اصولاً مسائل مربوط به منازعه‌های محلی بیشتر در سطح منطقه‌ای مورد توجه کامل و فوری واقع می‌شوند تا در سطح جهانی، زیرا مسائل جهانی وسیع تر و پیچیده‌تر هستند (میراحمد، ۱۳۷۶: صص ۱، ۲ و ۳۴).

سازمان‌های منطقه‌ای از آغاز، همواره به عنوان یکی از ابزارهای گسترش همکاری و امنیت کشورها و حل و فصل اختلاف‌های آنها پیش از ارجاع دعوی به شورای امنیت مطرح بوده‌اند و قصد بر این بوده است که با استفاده از امکانات سلبی و ایجابی کشورهای منطقه در قالب این سازمان‌ها و به علت نزدیکی جغرافیایی و هم پیوندیهای اعضای گذشته از تامین منافع آنها، اهداف سازمان‌های جهانی مانند سازمان ملل متحد در زمینه تقویت صلح و امنیت و همکاری‌های بین‌المللی پیگیری شود و بر کارآمدی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در این زمینه افزوده و روند اجماع بین‌المللی با مراجعه مقدماتی دولتها به سازمان‌های منطقه‌ای تحکیم شود. سازمان همکاری‌های شانگهای نیز یک سازمان منطقه‌ای به شمار می‌آید که با هدف تامین نیازهای منطقه‌ای و مدیریت مسائل منطقه‌ای به وجود آمد. بنابراین لازم بود با مفهوم سازمان‌های منطقه‌ای که در طول پژوهش کاربرد زیادی دارد به طور کلی آشنا شویم.